

۱۳۵۹ - ۶ اوت ۱۴۰۸ م)، در مکه متولد شد و در همانجا تحصیل کرد و از بعضی مشایخ شام و قاهره و اسکندریه اجازه روایت حدیث یافت. از آنجا که جد مادری او شیخ نجم‌الدین املاک و خانه چندی در اصفون (در مصر علیا) وقف فرزندان خود کرده بود، محمد چند سالی در اصفون اقامت گزید و از این‌رو فرزندان او، افزون بر نسبتهای پیشین، به اصفونی هم معروف شدند (سخاوی، الضوء، ۲۸۱/۹). وی در ۷۹۵ ق / ۱۳۹۳ م به مکه بازگشت و هم در آنجا عمر به سر آورد (فاسی، ۳۳۴/۲).

۲. **تقی‌الدین ابوالفضل محمد** (۵ ربیع الثانی ۷۸۷ - ۷ ربیع - الاول ۸۷۱ ق / ۱۶ مه ۱۳۸۵ - ۱۷ اکتبر ۱۴۶۶ م)، پسر نجم‌الدین محمد، وی در اصفون زاده شد و در ۷۹۵ ق. همراه پدر به مکه رفت و در آنجا به تحصیل علم پرداخت. او برای سماع حدیث به مدینه و یمن سفر کرد. از شیوخ او در مکه عبدالرحمن فاسی و ابوهریره بن نقاش، در مدینه، رقیه دختر ابن مزروع و عبدالرحمن زرنندی و در یمن مجد لغوی و علی بن ابوبکر ازرق بوده‌اند (سخاوی، همان، ۲۸۱/۹ - ۲۸۲). از استادان بسیاری اجازه گرفت و پرسش در این مورد معجم و فهرست ویژه‌ای پرداخته است. تقی‌الدین، ابن حجر را در مکه دید و از دانش او بهره‌مند شد. او الامتاع را نزد مقریزی خواند و نسخه‌ای از آن را به خط فرزند خود نجم‌الدین عمر برای خود تهیه کرد. او در کسب علم و ضبط و استخراج مطالب از کتابها بلندآوازه شد و این منزلت برای پسر او نیز حاصل گشت. کسان بسیاری در حجاز از تقی‌الدین اخذ حدیث کردند (همان، ۲۸۳/۹). توجه به حدیث و سنت از او به فرزندانش منتقل شد و شاید از این‌روست که گاه در نسبت آنان «الآثری» هم دیده می‌شود (نکه: *آلوارت*، IX/497-498؛ آربری، 44). سخاوی در دو نوبت که مجاور مکه بود، او را دیده، از او بهره برده و بسیاری از نوشته‌های خود را به او ارائه کرده است (همانجا). تقی‌الدین پیوسته به کار مطالعه و نوشتن سرگرم بود. کتابخانه او در آن زمان در مکه نظیر نداشت و همگان از آن بهره‌مند می‌شدند. او کتابخانه‌اش را وقف کرد تا پس از مرگش نیز مورد استفاده طالبان علم قرار گیرد. وی طبع شعر نیز داشت (همانجا).

آثار:

الف - چاپی: *لحظ اللاحاظ*، تنها اثر از نوشته‌های تقی‌الدین است که همراه ذیل‌های حسینی دمشقی و سیوطی بر تذکرة الحفاظ ذهبی چاپ شده است. *لحظ* در واقع ذیلی است بر ذیل ابوالمحاسن محمدبن علی علوی حسینی دمشقی و نام کامل آن *لحظ اللاحاظ بذیل طبقات الحفاظ* است. در این ذیل تراجم به ترتیب زمان فوت صاحبان آنها آمده و بر ۱۲ ترجمه از کتاب ذهبی و ۸ ترجمه از ذیل حسینی مطالبی افزوده شده است (ص ۷۱).

ب - خطی: ۱. *بُغیة الطالب الفالاح من مشیخة قاضی طیبیة ابی الفتح الصالح*، نسخه‌ای از آن در اسکندریه موجود است (GAL, II/ 225)؛ ۲. حدیث ابی علی الحسن بن عرفة، یک نسخه از آن در رامپور

مصطفی، مقدمه بر تلخیص (نکه ابن فوطی در همین مأخذ)؛ هم، مقدمه بر الحوادث الجامعة (نکه ابن فوطی در همین مأخذ)؛ حاجی خلیفه، کشف ذهبی، محمدبن احمد، تذکرة الحفاظ، حیدرآباد دکن، ۱۳۳۳ - ۱۳۳۴ ق؛ هم، *دول الاسلام*، بیروت، ۱۴۰۵ ق؛ هم، *ذیول العبر فی اخبار من غیر*، به کوشش محمد سعید زغلول، بیروت، ۱۹۸۵ م؛ شبیبی، *مخدرضا، مورخ العراق ابن الفوطی*، بغداد، ۱۳۷۸ ق؛ شوکانی، محمد بن علی، *الیدر الطالع*، بیروت، ۱۳۴۸ ق؛ صفدی، خلیل بن ابیک، *الوائی بالوفیات*، به کوشش هلموت ریتز، بیروت، ۱۳۸۱ ق؛ عزازی، عباس، *تاریخ الادب العربی فی العراق*، بغداد، ۱۳۸۰ ق؛ هم، *التعریف بالمورخین*، بغداد، ۱۳۷۶ ق؛ علیی، عبدالرحمن بن محمد، *المنهج الاحمد فی تراجم اصحاب الامام احمد*، به کوشش محمد محیی‌الدین عبدالحمید، بیروت، ۱۴۰۴ ق؛ قنوجی، صدیق بن حسن، *التاج المکمل بن جواهر مآثر الطراز الاخر والاول*، به کوشش عبدالحمید شرف‌الدین، بمبئی، ۱۳۸۳ ق؛ معروف، ناجی، *تاریخ علماء المنتصریة*، قاهره، ۱۳۹۶ ق؛ نیز: EIP، یوسف رحیم‌لو

ابن فهد، نام خاندانی بزرگ در مکه از فرزندان عبدالله بن محمدبن عبدالله بن فهد، برای افراد این خاندان نسبتهای علوی، قرشی، هاشمی و مکی (سیوطی، ۱۷۰؛ فاسی، ۲۵/۸) بر شمرده‌اند، و این شاید بدان سبب باشد که آنان را از فرزندان محمدبن حنفیه پسر علی بن ابی طالب (ع) خوانده‌اند، اما از آنجا که شمار پشتهای این خاندان تا علی بن ابی طالب (ع) از آنچه قاعده معروف نسب‌شناسی (در هر قرن سه پشت) اقتضا می‌کند، کمتر است، در صحت چنین انتسابی جای تردید می‌ماند؛ به ویژه اگر دریابیم که مردم مکه نسب این دودمان را به عتبه بن ابی لهب می‌رساندند (نکه سیوطی، ۱۷۱) و این نام به تنهایی انگیزه خوبی برای تغییر شجره نامه تواند بود. همه افراد شناخته شده این خاندان شافعی بوده‌اند، جز عطیه (د ۸۷۴ ق / ۱۴۷۰ م) که سخاوی (الضوء، ۱۴۸/۵) او را مالکی مذهب دانسته است.

اشتهار این خاندان بیشتر در سده‌های ۸ - ۱۰ ق / ۱۴ - ۱۶ م بود و در این دوره کسانی از آن خاندان در دانش و تجارت بلند آوازه شدند. دانش عالمان این خانواده بیشتر در جهت ضبط و ذکر اهمیت سرزمین حجاز (تاریخ محلی) به کار گرفته شده است. برخی از افراد این خانواده برای تجارت به مصر، شام، یمن و حتی هند سفر می‌کردند. از فرزندان عبدالله افزون بر کسانی که درباره هریک از آنان جداگانه سخن خواهد رفت، این افراد درخور ذکرند: حسن بن عبدالله (د پس از ۷۴۰ ق) و برادر وی جمال‌الدین محمد (د ۷۳۶ ق) که مدتی نایب نجم‌الدین طبری قاضی مکه بود (فاسی، ۸۰/۲، ۸۲/۴)؛ احمد (د ۷۶۹ ق) پسر جمال‌الدین محمد و قاضی جمال‌الدین ابوالخیر محمد (د ۷۲۳ ق) برادر احمد (همو، ۲۹۶/۲؛ قس؛ ابن حجر، ۴۵۸/۵). ابن قاضی جمال‌الدین ابوالخیر سه پسر داشت که دو تن از آنان به نامهای عبدالرحمن ملقب به الوجیه و ابوبکر (فاسی، ۴۰۸/۵، ۲۶/۸) در طاعون مکه جان سپردند (جمادی الاول ۷۹۳ ق). اما بلند آوازه‌ترین دانشمندان بنی فهد از نسل ابوالخیر محمد و از پسر دیگر او نجم‌الدین محمد هستند:

۱. نجم‌الدین ابوالنصر محمد (ح ۷۶۰ - ۱۲ ربیع الاول ۸۱۱ ق /

نگهداری می‌شود (GAL, S, II/225): ۳. رساله الكامل علی تراجم المکین والمدینین الذین اخذ عنهم العلامة علی بن خلیل اللبودی، نسخه‌ای از آن در قاهره موجود است (همانجا): ۴. طرق الاصابة بما جاء فی فضائل الصحابة (شوکانی، ۲۶۰/۲)، نسخه‌ای با نام مختصر اسماء الصحابة به خط مؤلف در الازهر وجود دارد (ازهریه، ۵۴۵/۵) که ظاهراً همین اثر باید باشد؛ ۵. عمدة المنتجیل وبلغة المترجیل، در اربعینات، نسخه‌ای از این کتاب به خط مؤلف در چستریتی (آربری، II/95) و نیز نسخه‌ای دیگر در قاهره (خدیبویه، ۶۶۲/۲) موجود است؛ ۶. الفتح الربانی لجمع مرویات الشیخ ابی الفتح العثماني (ظاهریه، ۹۱)؛ ۷. الدرر السنّیة والجواهر البهیة من الاحادیث النبویة. نسخه‌ای از آن در کتابخانه ملی پاریس موجود است (دوسلان، شنه 721). در انتساب این اثر که به ابوالمحاسن یوسف عضدی اهدا شده، به تقی‌الدین تردید وجود دارد، زیرا به پسرش نجم‌الدین نیز نسبت داده شده است (وایدا، 28).

ج - آثار یافت نشده: ۱. الابانة مما ورد فی الجعراته (سخاوی، همان، ۲۸۲/۹)؛ ۲. الاشراف علی جمع النکت الظرف (شوکانی، همانجا)؛ ۳. اقتطاف النور ماورد فی نور (سخاوی، همانجا)، بروکلان آن را به محمد بن عبدالعزیز، نبیره تقی‌الدین نسبت داده است که درست نمی‌نماید (GAL, S, II/538)؛ ۴. بشری الوری ماورد فی حرا (سخاوی، همانجا)؛ ۵. بهجة الدماعة بماورد فی فضل المساجد الثلاثة (همانجا)؛ ۶. تأمل نهاية التقرب وتکمیل التهذیب بالتذهیب (همانجا)؛ ۷. تحفة الاشراف بمعرفة الاطراف، در ۳ مجلد (شوکانی، همانجا)؛ ۸. تحفة العلماء الاتقیاء بما جاء فی قصص الانبیاء (همانجا). سخاوی عنوان این کتاب را نخبة العلماء... آورده است (همانجا)؛ ۹. تقرب البعید فیما ورد فی یومی العید (کوثری، ۴)؛ ۱۰. الجئة باذکار الکتاب والسنة (سخاوی، همانجا)؛ ۱۱. الزوائد علی حیاة الحیوان للدمیری (کوثری، همانجا)؛ ۱۲. غایة القصد والمراد من الاربعین العالیة الاسناد (همانجا)؛ ۱۳. فی سیرة الخلفاء والملوک، در ۲ مجلد (شوکانی، ۲۵۹/۲)؛ ۱۴. المطالب السنیة العوالی بما لقریش من المفایر والمعالی (هنو، ۲۶۰/۲)؛ ۱۵. النور الباهر الساطع من سیرة ذی البرهان القاطع، در سیرت نبوی (سخاوی، همانجا).

تقی‌الدین کتابهایی هم برای آموزش فرزندانش نوشته بود (نک: فاسی، ۳۴۳/۲؛ سخاوی، الضوء، ۱۲۶/۶، ۹۲/۱۱).

۳. بدرالدین محمد ابوزرعه (۸۰۸ - ۸۲۶ ق/ ۱۴۰۵ - ۱۴۲۳ م)، پسر تقی‌الدین محمد. او در مکه به دنیا آمد و از پدرش و استادان دیگر حدیث و فقه آموخت. هوش و حافظه نیرومندی داشت و در جوانی در مکه درگذشت.

آثار: ۳ اثر به او نسبت داده‌اند که موفق نشد آنها را پاکتویس کند: ۱. رباعیات صحیح مسلم، ۲. معجم شیوخ خود، ۳. مناقب الامام الشافعی (فاسی، ۳۴۴/۲ - ۳۴۴).

۴. محب‌الدین ابوبکر احمد (۸۰۹ - ۸۹۰ ق/ ۱۴۰۷ - ۱۴۸۵ م)، پسر تقی‌الدین محمد. وی در مکه زاده شد و در همانجا و نیز در مدینه تعلیم یافت. آنگاه به سیاحت پرداخت و به سرزمینهای مختلف، از جمله در ۸۴۰ ق/ ۱۳۳۶ م تا کالیکوت و بار دیگر در ۸۴۷ ق تا کنبایه درهند رفت. در مکه برای پدر و برادرش و دیگران استنساخ می‌کرد و آثار بزرگی را به دست خود رونویس کرد (سخاوی، همان، ۹۲/۱۱). با خدیجه، دختر ابوبکر بن محمد معروف به توریزی (تبریزی) تاجر سلطان، ازدواج کرد (همان، ۷۰/۴، ۹۳/۱۱). او گاه روایت حدیث می‌کرد و سخاوی در مکه چیزهایی از وی آموخت، اما پس از مرگ برادرش از روایت حدیث خودداری می‌کرد. او در مکه درگذشت و در آرامگاه خانوادگی دفن شد (همان، ۹۲/۱۱ - ۹۳).

۵. عبدالرحمن، ملقب به ناصرالدین ابوالفرج (۸۴۱ - ۸۷۳ ق/ ۱۴۳۷ - ۱۴۶۹ م)، پسر ابوبکر احمد، در کالیکوت هند زاده شد و در ۸۴۴ ق همراه پدر به مکه آمد و در آنجا تحصیل کرد. از کسانی چون ابوالفتح مراغی و برهان زمزمی حدیث آموخت و از زرکشی، ابن طحان، ابن حجر، مقریزی و جمال کازرونی اجازه گرفت. در ۸۶۵ ق به قاهره رفت و از آنجا بارها به شام سفر کرد و به استماع حدیث پرداخت. وقتی در قاهره بود بسیاری از فضلاء مکه به نزدش می‌رفتند. در نحو و سرودن شعر دست داشت. در قاهره درگذشت و در کنار مقابر صوفیان بیبرسیه به خاک سپرده شد (همان، ۷۰/۴ - ۷۱).

۶. نجم‌الدین عمر (محمد) (۸۱۲ - ۸۸۵ ق/ ۱۴۰۹ - ۱۴۸۰ م)، پسر دیگر تقی‌الدین و از سرشناس‌ترین افراد این خاندان است. لقب دیگر او سراج‌الدین و کنیه‌اش ابوالقاسم بود. نام نخستین وی محمد بوده است، اما وی را بیشتر عمر می‌خواندند. در مکه متولد و بزرگ شد. مقدمات قرآن و حدیث و فقه را از پدر آموخت و از استادان مکه و دانشمندان مقیم یا مسافر آنجا، مانند ابوبکر مراغی، عبدالرحمن زرنندی، جمال‌الدین ابن ظهیره و دیگران حدیث و علوم دیگر فرا گرفت. پدرش از علمای سرزمینهای دیگر برای او اجازه خواست؛ از مشایخ اجازه او از مدینه زقیه دختر یحیی بن مزروع، از شام عایشه دختر محمد بن عبدالهادی و عبدالقادر ارموی، از بیت المقدس فاطمه دختر ابومحمود و برادرش برهان، از قاهره عزابن جماعه، از زبید مجد لغوی و از تیز جمال ابن خیاط و کسان دیگر از جاهای دیگر بودند. در قاهره از ابن حجر استفاده کرد. در حلب از برهان حدیث شنید. مسافرت‌های علمی متعدد به قاهره و حلب کرد و در این گشت و گذارها در هر جا از هر کس ممکن بود، حتی از کسانی که پایه علمی آنان پایین‌تر از خود او بود، بهره گرفت و در مکه از سخاوی استفاده کرد. نجم‌الدین از دانشمندی است که مشایخ زیاد داشت و حدیث و روایت بسیار فرا گرفته بود (همان، ۱۲۶/۶ - ۱۲۸؛ نیز نک: ابن طولون، ۴۵۳/۲ - ۴۵۴).

ابن حجر که با او مکاتبه داشت، از وی خواست تا پس از پدرش تقی‌الدین ضبط و فیات یمن و مکه را ادامه دهد و نوشته‌های خود را در این مورد به نظر او برساند. مقریزی هم از نجم‌الدین و پدرش به عنوان

۸۸۵ ق/ ۱۱ اوت ۱۴۴۴-۲۶ ژانویه ۱۴۸۱ م)، پسر نجم‌الدین عمر، در زادگاهش مکه بزرگ شد و تحصیل کرد. پدرش او را به استفاده از بسیاری از علمای مکه و داشت و از گروهی از آنان برای او اجازه گرفت. یحیی بسیاری از نوشته‌های سخاوی را از خود او فرا گرفت. به مدینه، طایف، قاهره و یمن تا عدن سفر کرد و از علمای هر محل بهره برد. مردی صالح و پرهیزکار بود و هر چند ثروتمندی نداشت، از پذیرفتن زکات و صدقات خودداری می‌کرد. شعرشناس بود و در این باب ذوق نیکویی داشت (سخاوی، الضوء، ۱۰/ ۲۳۸-۲۳۹).

آثار: از آثار او مجموعه‌هایی برگزیده از دیوانهای شعر و نکته‌ها و سخنان شگفت بوده است. این آثار را هم به از نسبت داده‌اند: ۱. *الدلائل الی معرفة الاوائل* (همانجا): ۲. *ما یکتب بالضاد والطاء مع اختلاف المعنی*، که سه نسخه از آن در دارالکتب مصر (تیموریه) وجود دارد (معین، ۵۹۰). وی مجمع‌الامثال میدانی را نیز تلخیص کرده است (سخاوی، همانجا).

۸. عزالدین عبدالعزیز (۲۶ شوال ۸۵۰-۹۲۶ ق/ ۱۳ ژانویه ۱۴۴۷-۱۵۱۵ م)، پسر نجم‌الدین عمر، مورخ و از معروف‌ترین افراد دانشمند بنی فهد، او در مکه به دنیا آمد و نخست ابوالخیر علی نام داشت و در پی خوایی که پدرش دید، ابوفارس عبدالعزیز نامیده شد. مقدمات را نزد پدر و جدش فرا گرفت؛ از شیوخ مکه مانند ابوالفتح مراغی و زمزمی و دیگران و نیز از ابن حجر دانش آموخت. در طلب حدیث کوشا بود. بارها برای سماع حدیث به مدینه و قاهره و شام و حلب و غزه رفت. همدرس سخاوی بود و در عین حال در قرائت و حدیث از او بهره گرفت. هنگامی که سخاوی در ۸۸۶ ق در مکه مجاور شد، عبدالعزیز بسیاری از تألیفات او را که در میان کتابهای پدرش بود، نزد او خواند. متون عمده فقه و تفسیر و نحو را نزد مشاهیر علمای مکه خواند و اجازه تدریس و روایت حدیث گرفت (سخاوی، الضوء، ۴/ ۲۲۴-۲۲۶). در سال آخر عمرش از ابن طولون در مکه حدیث شنید و از او نیز اجازه گرفت. به داشتن مشایخ زیاد معروف بود و معجم شیوخ او شامل نام حدود هزار شیخ است (غزی، ۱/ ۲۳۹).

در سرزمین حجاز پس از پدرش کسی در حدیث با او برابر نبود و در بسیاری از علوم دیگر نیز دست داشت (سخاوی، همان، ۴/ ۲۲۶). تخریج (استخراج مطالبی ویژه از نوشته‌های دیگران) و کشف (ترتیب فهرستهای راهنما برای متنهای مهم) و تاریخ، کارهای علمی مورد علاقه عبدالعزیز بود (سخاوی، همانجا). وی در مکه درگذشت (ابن عماد، ۸/ ۱۰).

آثار خطی: ۱. *الاجازة*. نسخه‌ای از آن در رامپور موجود است (GAL, S, II/224): ۲. *غایة المرام باخبار سلطنة البلد الحرام*. این اثر که ناقص است، مشتمل بر تاریخ امرای مکه از زمان هجرت تا فوت مؤلف است و با استفاده از نوشته‌های پدر مؤلف در مورد تاریخ مکه و آثار فاسی و ابن حجر نوشته شده است. نسخه‌ای از آن در برلین موجود است (آلوارت، IX/263): ۳. *التزئة السنیة فی اخبار الملوك المصرية*

در محدث بسیار آگاه حجاز یاد کرده و برای نجم‌الدین آینده درخشانی پیش‌بینی کرده بوده است. تقی جراحی، از بزرگان علمای حنبلی مسند احمد بن حنبل را نزد او خواند. سخاوی نیز از نجم‌الدین استفاده کرد و میان آن دو تا پایان عمر نجم‌الدین مکاتبه برقرار بود (سخاوی، همان، ۶/ ۱۲۹-۱۳۸). وی با عایشه دختر عقیف عبدالرحمن بن محمد اصفهانی مکی معروف به عجمی ازدواج کرد (همان، ۴/ ۲۲۴، ۵/ ۵۹). در آخر عمر به اندک ضعف جسمانی و بینایی گرفتار شد و با اینهمه روش همیشگی خود را از دست نداد. نجم‌الدین در مکه درگذشت و در مقبره بنی فهد دفن شد (همان، ۶/ ۱۳۱).

آثار: نجم‌الدین عمر نوشته‌های بسیار به جا گذاشت که بیشتر به صورت پیش‌نویس بود (همان، ۶/ ۱۲۹). نوشته‌های او تاکنون چاپ نشده است. آثار شناخته شده موجود او عبارتند از: ۱. *الاحقات*، رساله‌ای است مشتمل بر ۱۱ اجازه که شیوخ مختلف نجم‌الدین برای او نوشته‌اند و در هر اجازه نام مشایخ نویسنده آن هم آمده است. این نسخه در رامپور و مورخ ۸۳۹ ق/ ۱۴۳۵ م است (بانکیور، XII/65). این اثر احتمالاً همان *المسلسلات* است که در الضوء سخاوی به آن اشاره شده است (۶/ ۱۲۸): ۲. *المعجم*، مجموعه تراجم مشایخ حدیث و اجازات نجم‌الدین است. تاریخ تألیف این اثر ۸۶۱ ق/ ۱۴۵۷ م و تاریخ تحریر نسخه به خط عبدالعزیز فرزند مؤلف ۹۰۶ ق است (بانکیور، 64-63/XII). نسخه‌ای دیگر با ذیلی بر آن در برلین (آلوارت، IX/497-498) موجود است. سخاوی به این اثر اشاره کرده است (همانجا).

آثار یافت نشده نجم‌الدین عمر به این شرح است: ۱. *إتحاف الوری باخبار أم القرى* (سخاوی، الاعلان، ۷۲): ۲. *بذل الجهد فیمن سمی بفهد و ابن فهد* (همو، الضوء، همانجا): ۳. *التیین للطبرین* (همانجا): ۴. *تذکره الناسی باولاد ابی عبدالله الفاسی* (همان، ۶/ ۱۲۹): ۵. *الدر الکمین بذیل العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین*، ذیلی است بر تاریخ مکه فاسی (همو، الاعلان، ۷۱-۷۲، ۲۸۲): ۶. *السر الظهیری باولاد احمد النوری* (همو، الضوء، ۶/ ۱۲۹؛ بغدادی، ایضاح، ۱۱/۲): ۷. *غایة الامانی فی تراجم اولاد القسطلانی* (سخاوی، همانجا): ۸. *الفهرست* (همان، ۶/ ۱۲۸): ۹. *اللباب فی الالقاب* (شوکانی، ۱/ ۵۱۳): ۱۰. *المخضرمین*: ۱۱. *المعیر اسمهم*: ۱۲. *المواخیینهم*: ۱۳. *المُدکسین* (همو، ۱/ ۵۱۲-۵۱۳): ۱۴. *مشیخة* (نعیمی، ۱/ ۵۶): ۱۵. *مورد الطالب الطمی* (ابن طولون، ۲/ ۴۵۴): ۱۶. *نورالعیون بما تفرق من الفنون* (بغدادی، همان، ۲/ ۶۸۵).

گذشته از این آثار، نجم‌الدین استخراجات (تخریج) زیادی برای خود و دیگران به عمل آورده بود (سخاوی، همانجا). از سودمندترین کارهای او ترتیب دادن فهرس‌القایی برای برخی کتابهای مهم تراجم مانند *الحلیة*، *المدارک*، *تاریخ الاطباء*، *طبقات الحنابلة* و *تذکره الحفاظ* و ذیلیهای آن بود (همان، ۶/ ۱۲۹).

۷. محیی‌الدین ابوزکریا یحیی (۲۳ ربیع‌الآخر ۸۴۸-۲۵ ذیقعدة

العباس، یک نسخه از آن در بیبل موجود است (نموی، ۱۳۸): ۳. الجواهر الحسان فی مناقب السلطان سلیمان بن عثمان (زرکلی، همانجا): ۴. الخیر المرفوع فی ایام الاسبوع، نسخه‌ای از آن در بیبل نگهداری می‌شود (نموی، ۱۶۸): ۵. گزیده‌ای از الدر الفاخر لایان القرن العاشر، نسخه‌ای از آن در کمبریج موجود است (آزبری، ۴۴): ۶. السلاح والغدة فی فضائل بندر جدة، ۲ نسخه از آن در برلین و وین موجود است (GAL, II/516): ۷. منهل الظرافة بذیل مورد اللطافة فیمن ولی السلطنة والخلافة، ۲ نسخه از آن در برلین، نگهداری می‌شود (الوارث، VII/434, IX/316): ۸. نهاية السؤل لبرکات فضل آل بیت الرسول، نسخه‌ای از آن در برلین موجود است (همان، VII/434): ۹. النکت الظراف، نسخه‌ای از آن در چستریتی نگهداری می‌شود (آزبری، ۲۶): ۱۰. نیل المئنی بذیل بلوغ القرى (GAL, S, II/538).

آثار یافت نشده: ۱. بلوغ الارب بمعرفة الانبياء من العرب (حاجی خلیفه، ۲۵۳/۱): ۲. بهجة الزمان بعمارة الحرمین لملوک آل عثمان (بغدادی، ایضاح، ۲۰/۱): ۳. تحفة الايقاظ بتتمة ذیل طبقات الحفاظ، تکمله‌ای است بر لحظ الاصلاح نیای بزرگش تقی‌الدین ابن فهد. جارالله نوشتن تحفة را در ۱۲ ربیع‌الثانی ۹۴۴ ق/ ۱۸ سپتامبر ۱۵۲۷م به پایان برده است (نکا: جارالله، ۳۸۲): ۴. التحفة اللطيفة فی بناء المسجد الحرام والکعبة الشرفیة (غزوی، ۱۳۱/۲): ۵. تحقیق الرجال لعلو المقر المحیی ابن آجا، که مشتمل بر ۴۰ حدیث است (ابن حنبلی، ۴۳۴/۱۱): ۶. تحقیق الصفا فی تراجم بنی الوفا (حاجی خلیفه، ۳۷۸/۱): ۷. رساله‌ای درباره بازار عکاظ (دانشنامه): ۸. رساله فی کتاب السرفی دیوان مصر (حاجی خلیفه، ۸۸۵/۱): ۹. الفرائد البهیات فی فوائد البلدانیات (جاسر، ۵۴۶): ۱۰. معجم مشایخ خود و شاعرانی که از آنان شعر شنیده است (ابن حنبلی، ۴۳۵/۱).

مأخذ: ابن حجر عسقلانی، احمد بن علی، الدرر الکامنة، حیدرآباد دکن، ۱۳۹۶ ق: ابن حنبلی، محمد بن ابراهیم، در الحیب فی تاریخ اعیان حلب، به کوشش محمود احمد فاخوری و یحیی زکریا عبارة، دمشق، ۱۹۷۲م، ابن طولون، محمد بن علی، القلائد الجوهریة فی تاریخ الصالحیة، به کوشش محمد احمد دهمان، دمشق، ۱۳۰۱ ق: ابن عماد، عبدالحی بن احمد، شذرات الذهب، قاهره، ۱۳۵۱ ق: ابن فهد، تقی‌الدین محمد، «لحظ الاصلاح»، ذیل تذکرة الحفاظ ذهی، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۶ ق: ازهری، فهرست: بغدادی، ایضاح: همو، هدیه: جارالله، ابوالفضل محمد، مؤخره بر ذیل تذکرة الحفاظ ذهی، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۶ ق: جاسر، حمد، «حول رسالة فضل جدة»، مجلة معهد المخطوطات العربیة، کویت، ذیقعدة ۱۴۰۷ - ربیع‌الآخر ۱۴۰۸: حاجی خلیفه، کشف: خدیویه، فهرست: دانشنامه: زرکلی، اعلام: سخاری، محمد بن عبدالرحمن، الاعلان بالتربیح لمن ذم التاريخ، به کوشش فرانتس روزنثال، بغداد، ۱۳۸۲ ق: همو، الضوء اللامع، قاهره، ۱۳۵۵ ق: سیوطی، نظم العقیان فی اعیان الاعیان، به کوشش فیلیپ حتی، نیویورک، ۱۹۱۲م: شوکانی، محمد بن علی، البدر الطالع، قاهره، ۱۳۴۸ ق: ظاهری، خطی (حدیث): عیدروسی، عبدالقادر بن عبدالله، تاریخ التوز السافر عن اخبار القرن العاشر، بیروت، ۱۴۰۵ ق: غزوی، نجم‌الدین، الکواکب السائرة، به کوشش جزائیل سلیمان جیور، بیروت، ۱۹۹۹م: فاسی، محمد بن احمد، العقد الثمین فی تاریخ البلد الامین، به کوشش فواد سید، بیروت، ۱۴۰۶ ق: کوثری، محمد، مقدمه بر ذیل تذکرة الحفاظ ذهی، حیدرآباد دکن، ۱۳۷۶ ق: مدعج، عبدالمحسن، «رسالة فی فضل جدة وشیء من خیرها لجارالله محمد بن فهد»، مجلة معهد المخطوطات العربیة، جمادی‌الاولی‌شوال ۱۴۰۷: معید، محمد جبار، «کتاب الضاد والطاء عند الدارسین العرب»، مجلة معهد المخطوطات العربیة، ذیقعدة

یا التزهة السنیة فیما یطلب من اخبار الملوک و خلفاء الدیار المصریة، ۲ نسخه از آن در اسکوریال مادرید نگهداری می‌شود (ESC²، شم ۱۷۰۸). از این اثر نسخه‌ای نیز با عنوان تزهة سنیة مقلعة مغنیة مما یطلب من اخبار الخلفاء والملوک المصریة در وین موجود است (لو بنشتاین، ۱/۲۰۴).

آثار یافت نشده: ۱. بلوغ القرى، ذیلی است بر اتحاف نجم‌الدین پدر مؤلف: ۲. تاریخ مکه، به ترتیب سالها از ۸۷۲ ق تا زمان مؤلف در تاریخ مکه: ۳. الترغیب والاجتهاد فی الباعث لذوی الهمم العلیة علی الجهاد: ۴. جزء فی المسکسل بالاولیة: ۵. جزء فی المسلسلات: ۶. الحجة الدامغة لرجال الفصوص الرافعة: ۷. رحلة: ۸. فهرست مرویات او: ۹. معجم مشایخ او: ۱۰. نزهة الایصار لما تألف من الافکار: ۱۱. نزهة ذوی الاحکام باخبار الخطباء والائمة وقضاة بلد الله الحرام (نکا: غزوی، ۲۳۹/۱): بغدادی، هدیه، ۵۸۳/۱).

عبدالعزیز طبقات القراء ذهی را نیز به ترتیب الفبایی مرتب کرده بود (غزوی، همانجا).

۹. محب‌الدین ابوالفضل محمد (۸۹۱-۹۵۴ ق/۱۴۸۶-۱۵۴۷م)، مشهور به جارالله، مورخ و آخرین فرد دانشمند این خانواده. پدر او عبدالعزیز و مادرش کمالیه دختر محب‌الدین ابوبکر احمد برادر نجم‌الدین عمر بود. در زادگاهش مکه از پدرش و سخاوی و محب طبری دانش آموخت. از کسانی مانند عبدالغنی بن بساطی، عایشه دختر ابن عبدالهادی و محمد بن شهاب بوسیری اجازه گرفت (سخاوی، الضوء، ۵۲/۳). آنگاه به مصر و شام سفر کرد و در ۹۲۲ ق/ ۱۵۱۶م هنگامی که ملک اشرف قانصوه الغوری به حلب رفت جارالله نیز به آنجا وارد شد (ابن حنبلی، ۴۳۴/۱۱). در حلب دوست و همدرس شمس‌الدین محمد بن طولون شد و بعدها میان آن دو مکاتبه برقرار بود و هر سال هر کدام متوفیات آن سال را ضبط و به وسیله حجاج برای یکدیگر می‌فرستادند (غزوی، ۱۳۱/۲). جارالله به بیت‌المقدس و یمن نیز مسافرت و از علمای آنجا استفاده کرد. سید سیهودی در شهر مکه به او خرقه پوشانید (ابن عماد، ۳۰۱/۸: عیدروسی، ۲۱۸).

از جمله کسانی که از او دانش آموخته و اجازه گرفته‌اند، ابن طولون و رضی‌الدین محمد بن حنبلی حلبی را می‌توان نام برد (ابن حنبلی، ۴۳۵-۴۳۶).

جارالله در مکه و مدینه به روایت حدیث پرداخت (عیدروسی، همانجا) و در زادگاهش درگذشت (ابن عماد، همانجا).

آثار چاپی: ۱. تحفة اللطائف فی فضائل الحبر ابن عباس و وج الطائف (مدعج، ۱۹۲): ۲. حسن القرى فی اودية أم القرى (همانجا): جاسر، ۵۴۴): ۳. رسالة فی فضل جدة وشیء من خیرها (مدعج، ۱۸۹).

آثار خطی: ۱. الاقوال المتبعة فی بعض ما قیل من مناقب ائمة المذاهب الاربعة (زرکلی، ۲۰۹/۶): ۲. تحفة الناس بخبر رباط سیدنا